

در ده ایوک در ۱۶ کیلومتری شهر شاهی هنوز هم می توان کارگاه تهیه و بافت اینگونه لباس را که چوقا و چارق نامیده میشود از نزدیک مشاهده نمود و در اسکر محله آمل کار اصلی اکثریت اهالی ده تهیه پارچه مزبور در کارگاههای خانگی می باشد در سایر مناطق روستائی شلوار و پیراهن در ۹ ماه از سال بدن مردان و پیراهن بلند سراسر سال بدن زنان را می پوشانند . این پارچه ها اغلب ساده و اززان قیمت است فقط دختران جوان و پسران تازه داماد لباسهای رنگین و گران قیمت تری بر تن دارند .

جزء در ترکمن صحرا و در میان زابلی ها در کمتر روستائی لباسهای کثیف و چرکین بر تن روستائیان دیده می شود . اغلب لباسهای تمیز و ساده و اززان قیمت می پوشند . در جنوب شهبواز زنان روستائی لباسهای مخصوص از پارچه سیاه بر تن دارند . در سراسر ترکمن صحرا اهالی لباسهای مخصوص بر تن دارند که برای زنان عبارت از پارچه های ابریشمی و بلند و بازنگهای زرد - سبز قرمز و روسری قرمز و روسری ابریشمی که قسمتی از شانه های آنها را می پوشانند و اغلب قیمت این روسری ها از دوهزار ریال تجاوز می کند .

مردان لباسهای بلند با کلاه مخصوص بر سر دارند . پارچه لباس آنها از پارچه های وطنی و کلاه از پشم گوسفند تهیه میشود . از نظر نظافت بدن در اکثر روستاهای مازندران حمام وجود دارد بسیاری از موارد رعایت میشود .

اما در کوهستانها بخصوص در میان گلهداران و در شرق مازندران استفاده از حمام و آب جهت نظافت کمتر رواج دارد و اصولا درآمد ناچیز در این نواحی زندگی مخصوص و دوری از آب آشامیدنی و غیره رعایت بهداشت و پاکیزگی را در نزد آنها دشوار میسازد بخصوص که در بسیاری موارد اعتیاد بمواد افیونی و ناس (۱) زبونی و

(۱) ناس - ماده بدبوئی مرکب از تنباکو و زرنیخ یا مواد مشابه است که بصورت خمیری

در زیر زبان قرار میگیرد ،

عدم رعایت بهداشت کمک می نماید و عامل مهمی در جهت کمبود درآمد خانواده میگردد و در کمتر دهی دیده ام که افراد معتاد نباشند در همه جا استفاده از تریاک رواج کلی دارد و این خمیر مایه زبونی و عقب ماندگی نه تنها خانواده را ناتوان و گرسنه نگه میدارد ، بلکه باقتصاد ناحیه ای و کشور به سختی آسیب میرساند .

رقابت روز بروز شدیدتر می‌گردد .

از نظر زیست هم تفاوت زیادی بین دو خانواده دیده می‌شود. در خانواده روستائی همه افراد در يك اطاق و يك خانه زیر يك سقف وزیر نوريك چراغ زندگی می‌کنند اغلب در يك طرف غذا می‌خورند و در يك جا می‌خوابند و با اندك پوشاك و اندك توقع از زندگی عواطف مشترك دارند و بعلت یکنواختی نحوه زیست و کار و خوراك و پوشاك اغلب در غم و شادی یاور و همدم یکدیگرند . (۱)

البته بعلت تنگ نظری و حسادت و نادانی که زاده محیط روستاهاست در مراحل جدائی گاهی بین دو برادر بر سر قطعه‌ای زمین یا تقسیم باغی اختلاف شدید بوجود می‌آید اما بطور کلی می‌توان گفت خانوار و اجتماع روستائی پیوسته ب مادر خود یعنی زمین وابسته و نیازمندند. و در کارهای گروهی بیشتر شرکت می‌جویند و زودتر رهبری دیگران را می‌پذیرند .

در حالیکه در خانوار شهری و صنعتی تعداد افراد خانوار بعلل اقتصادی بسیار محدود و افراد خانواده کار یکسان ندارند و در زیر يك سقف زندگی نمی‌نمایند و حتی گاهی اطاق کودکان جدا و هر کدام لباسی را که دوست دارند می‌پوشند و به نفر بیخ‌دلخواه خود می‌پردازند - و تك‌روی و استقلال فردی روز بروز افزایش می‌یابد و گوئی هر کس به جلد خود فرو میرود و بزودی رهبری دیگران را نمی‌پذیرد و حقیقت زندگی یعنی تنهائی محض بشمر مورد آزمایش قرار می‌گیرد. خانواده روستائی در مازندران مرکب از پدر و مادر و فرزندان می‌باشد و گاهی همراه با چند فامیل نزدیک در زیر يك سقف زندگی می‌نمایند. مرد بعلل زیاد در مازندران فعالیت واقعی را ندارد. بعلل نژادی - محیطی و یکنواختی غذا و با تلاقی بودن زمین‌ها و نبودن آفتاب کافی مردان سالم و پر بنیه باقی نمی‌مانند زیرا فقر غذائی در دوران کودکی و عدم اطلاع و توانائی استفاده از ویتامین ۱ - برای توضیح بیشتر رجوع شود به کتاب رمز قدرت و ثروت ملل از همین نویسنده

## «خانه‌های روستائی در مازندران»

خانواده در مرحله زمین‌داری تفاوت کلی با خانواده صنعتی و شهرنشینی دارد . خانواده روستائی نه تنها کانون محبت و عواطف انسانی است بلکه کارگاهی اقتصادی بشمار میرود در حالیکه خانوار از نظر تعداد در اجتماع باید محدود بماند خانواده روستائی احتیاج باعضای زیاد و فعال دارد و هدف خانواده بوجود آوردن فرزندان متعدد و پرورش علمی آنها در جهت تولید کالاهای این کارگاه است .

در حالیکه در خانواده صنعتی تأمین رفاه و میزان آموزش افراد خانوار مطرح و هدف عمده محسوب می‌گردد . در روستاها طفل از ۶ سالگی بحال خانواده مفید است زیرا در چیدن علف و مراقبت از دامها و نظارت بر بوستان و باغها باولیای خود کمک می‌کند و با اندك غذا و پوشاك عضوی مفید برای خانواده می‌گردد . در حالیکه در خانواده شهر نشین و صنعتی فرزند تا سن ۲۵ سالگی باید مشغول یادگیری و تعلیم و تربیت باشد تا بتواند در محیط شهری زندگی خودویکی دونفر دیگر را تأمین نماید و طی این مدت و حتی بعد از آنها احتیاج به کمک فکری و مالی خانواده دارد و چون جمعیت زیاد می‌گردد شهرها گسترش می‌یابند و مدت این آموزش طولانی می‌شود . بنظر میرسد در حدود چهل درصد عمر افراد شهری در آینده صرف یادگیری و آموزش خواهد شد زیرا



چهره يك كارگرمازندرانی

از صدساعت کار درسال تجاوز نمی کند .  
 برعکس درمناطق کوهستانی مردان علاوه بر کار درمزرعه درمواقع بیکاری به دامداری وحتی صنایع دستی می پردازنددر بعضی نقاط کوهستانی لاریجان مردانی راکه در روزهای سردزمستان مشغول پشم ریزی بودندمشاهده کردم. درنمارستاق تمام مردان ده فصل زمستان بشهر مهاجرت می کنند ودرلحاف دوزی و آماده کردن پنبه ورشته ها مشابه فعالیت دارند .

و غذای متنوع سبب میگردد که کشاورز مازندرانی همارود دهقانان اصفهانی یا آذربایجانی نباشد آسان بدست آمدن غذا وزیادی فشار ورطوبت هوا و کمی ارتفاع از سطح دریا آدمی را تنبل و بی حال بار میاورد و تأثیر کلی در رشد فکری وفعالیت آدمی میگذارد . درنقاط کوهستانی مردان نیرومندتر و از تحرك بیشتری برخوردارند آب و هوا - میزان تابش خورشید خشکی هوا و همراه با عوامل فوق موجب نیرومندی دهقانان کوهستانی میشود .

با این وجود دهقانان مازندرانی از نظر قدرت بدنی در ردیف بالا قرار دارد ولی از تحرك و چابکی لازم بهره مند نیست فعالیت مردان درمازندران بسیار محدود است از اواخر اسفند کارها شروع میشود . بعلت رواج و افزایش فوق العاده کارهای ماشینی آماده کردن زمین ها با دشواری روبرو نیست . پس از آماده کردن زمین ها در تمام فصل بهار - تابستان باچهار تا شش ساعت کار روزانه سپری میشود و از اواسط پائیز تا ایام عیدهم استراحت کامل می نمایند .

زیرا جزکشت برنج کار دیگری وجود ندارد صنایع دستی و دامپروری وغیره رواج ندارد بخصوص درنواحی غرب وشرق مازندران مردان حداقل فعالیت و کار بدنی را دارند ودر نواحی شهنسوار باغ داری و درآمد سرشار از فروش مرکبات سبب گردیده است که کارمرد خانوار درسال از ۲۰۰ ساعت کار متمرکز تجاوز نکنند. درمازندران وسطی ودرنواحی کوهستانی فعالیت بیشتری بچشم میخورد و مردان بطور متوسط ۹۰۰ ساعت کار سالیانه دارند . ولی درنواحی ترکمن نشین درتمام سال بیکاری مخفی وجود دارد وچون کارکشاورزی کاملاً باماشین آلات صورت میگیرد و وباغ داری همرواجی ندارد و صنایع دستی هم بعهد زنان است . اغلب در روستاهای یولمه - آرخ - نیاور وقرانگی جنگل و قوشه سوشاهد بوده ام که در اغلب ایام سال مردان درحال استراحت هستند و بطور متوسط میزان کار این مردان در روی زمین ها

وشیر با وزن ۱۰ تا ۱۵ کیلوگرم را پرپشت خود می بندند و روانه شهرها می شوند. در اطراف شهسوار زنان با روسری سیاه که بشکل خاص بسر خود بسته اند از ۶ کیلومتری ماست و شیر لبنیات مختلف و سبزیجات را بشهر حمل می کنند و در اولین ساعت صبح در بازار روز آنرا عرضه میدارند . پس از فروش محصولات خود بده برمیگردند . در اطراف چالوس - نوشهر - آمل - بابل - شاهی - ساری - بهشهر تعداد زیادی از این زنان بازار روز رادر دست دارند .

سبزیجات کاهو و گوجه و بقولات مختلف و در فصل زمستان سبزی و پرتقال مورد نیاز این شهرها را در بازار روز عرضه میدارند .

در کوهستانها زنان علاوه بر امور خانه داری و بچهداری و شوهر داری جمع آوری همیزم و رسیدگی بکار دامها و تهیه مواد غذایی را بعهده دارند .

زنان ایلات علاوه بر این وظایف در بسیاری موارد کارهای سنگین تری مانند حمل همیزم و بارهای دیگر، نگهداری گلهها، جنگیدن با حیوانات وحشی و درنده راهم بعهده دارند .

در شرق مازندران زنان تهیه و پخت نان و کارهای کدبانوئی را بخوبی انجام میدهند و قالی بافی یکی از عمده ترین کارهای زنان است .

در بی بی شیروان در طی چند روزی که در خانه ترکمنی سکونت داشتیم . زنان را هرگز ندیدم فقط از ساعت ها قبل از آفتاب صدای قالیبافی آنها بگوش میرسید . شب هنگام که مراجعت میکردم . باهم زنان مشغول قالی بافی بودند . علاوه بر کارهای فوق می توان گفت قسمت عمده کار مزارع برنج و پنبه - توتون و چای بعهده زنان است .

کار در مزارع در اوایل اردیبهشت شروع میشود . زنان در حالیکه تا زانودر گل ولای مزرعه فرورفته اند کار نشاء برنج را بعهده دارند و در عرض چند روز زمین های سیاه و قهوه ای را بدریائی از سبزه تبدیل می نمایند نشاء توتون و وجین کردن پنبه و چیندن

## «زنان در خانوار روستائی مازندران»

در اکثر روستاهای مازندران زنان علاوه بر آنکه کارهای خانه را انجام میدهند مدیران برجسته ای هم در کار مزرعه هستند .

زنان روستائی مازندران اغلب باریک اندام باقدی متوسط و پوست تیره سفید و سبزه روی و گاهی گندمگون در کار مزرعه کوشا و در خانه داری پرکار و تمیز ولی در زندگی خانوادگی کمتر نقش کدبانوئی را ایفا می کنند .

در مزارع پنبه - توتون - برنج - چای مدیر واقعی و کارگر دائمی بشمار میروند . در بازارهای روز در پرورش میوه جات و سیفی کاری و پرورش طیور نوغان و بافتن گلیم - نمد - قالی - پارچه های چوقا نقش برجسته ای را ایفا می نمایند .

کار روزانه زنان مازندران را می توان بشرح زیر خلاصه کرد . يك ساعت قبل از آفتاب از خواب برمیخیزند و پس از آمادگی ، گاوهای شیرده را می دوشند و ماکیانها را دانه میدهند و آنها را بصحرا روانه می نمایند .

در باغچه اطراف خانه به نهال و سیف کاری میرسند ، آب آشامیدنی را از کاریز یا رودخانه یا چاه تهیه می نمایند بعضی از آنها ساعات اولیه صبح سبزیجات یا میوه جات چیده شده را در ظرفهای بزرگ روی سر خود قرار میدهند و یا ظرفی از لبنیات ، ماست

برگهای چای و توتون که بی‌زیان هم نیست بعهدہ این زنان است . زنان همانطور که از بچه‌های خود مواظبت می‌کنند، از بوته‌های پنبه - توتون - چای و برنج مراقبت می‌نمایند تا به ثمر برسند .

نگهداری بوستانها که در اوایل تابستان میرسد و چیدن و حتی فروختن میوه‌ها و ذرت را با دقت کامل انجام میدهند . بالاخره در تمام سال این زنان مشغول فعالیت هستند . بدبختانه بعلت نارسائی مواد غذایی و فقر شدید و عدم رعایت اصول بهداشتی و آوردن بچه زیاد اغلب زنان در سن ۲۵ سالگی مانند زنان ۵۰ ساله پیر و فرسوده و رنجور می‌شوند .

در مزارع گرگان عده زیادی دختران و زنان از مازندران مرکزی مشغول کار هستند و گاهی ممکن است ۳۰ تا ۵۰ دختر و زن جوان یک ده برای کار در یک مزرعه بزرگ بوسیله کامیون و تراکتور بسر کار بروند و در مقابل دریافت ۳۵ تا ۶۰ ریال در حدود ۱۰ ساعت کار می‌کنند و در اغلب موارد سرکارگر و مدیر آنها زنان هستند . ماجراهائی که برای این زنان و دختران جوان پیش می‌آید، داستانی جداگانه دارد . این تلاشها که در سراسر مازندران بوسیله زنان صورت میگیرد و گاهی از دو هزار ساعت کار در سال برای هر زن تجاوز می‌کند ، زنان گاهی مدیریت خانواده را بعهدہ میگیرند و مساوات واقعی بین مرد و زن بوسیله کار تأمین میگردد .

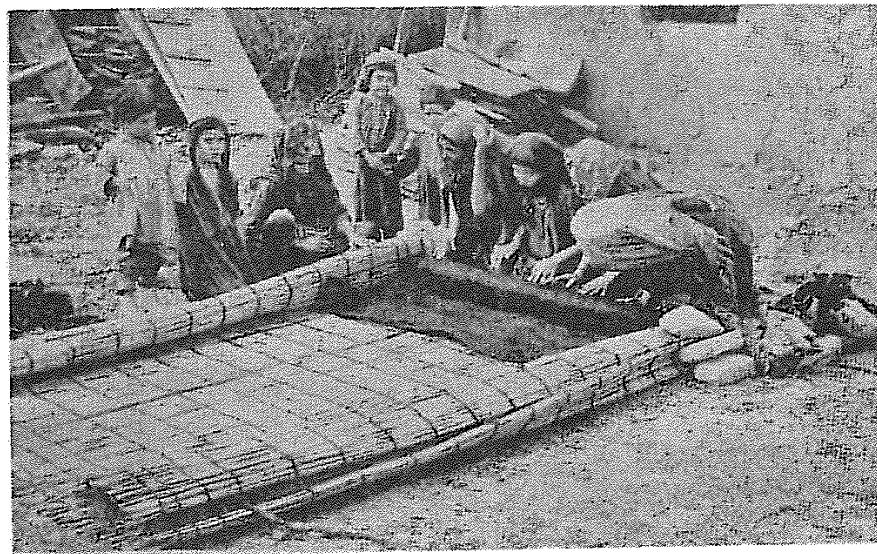
اغلب این کار سنگین خارج از خانه تغییری در وظایف خانوادگی زن بوجود نمی‌آورد نگهداری از بچه‌ها - تهیه غذا - انجام وظایف خانگی بعهدہ زنان و گاهی بوسیله کودکان بزرگتر خانواده انجام میشود . بطور خلاصه می‌توان گفت مرد در مازندران زن را به عقد خود درمی‌آورد . تا خانه او را منظم و آماده سازد و وظایف زناشویی و بچه‌داری را انجام دهد ، مزرعه را آماده سازد و محصولات کارگاه خانگی را عرضه نماید . در خرید و فروش شرکت نماید و با کار خود سهم مهمی از درآمد

خانواده را تأمین نماید .

سابقاً در ترکمن صحرا خرید و فروش زنان کاملاً رواج داشته و نرخ زنان بیوه بیشتر از دختران نوس بوده است در قرقناوه پیر مرد ۶۰ ساله را دیدم که دختر ۱۶ ساله‌ای را از طوایف مجاور با شش هزار تومان شیربهاء معامله نمود . البته فعلاً نام خرید و فروش مطرح نیست بلکه هر فامیل برای شوهر دادن دختر خود مقررات و نرخی دارد که باید آنرا کاملاً رعایت نماید .

ولی حقیقت اینکه در این نواحی دختری وقتی بخانه شوهر رفت تا هنگام مرگ خدمتگذار خانواده شوهر است و شاید باور کردنی نباشد که در یکی از روستاهای گوکلان فاصله زادگاه و گور یک زن از چند کیلومتر تجاوز نمی‌کند و یکی از اهالی برایم تعریف می‌کند که بسیاری از زنان ده مزبور هنوز ده مجاور خود را ندیده‌اند . فاصله بین دوده تقریباً چهار ده کیلومتر بود .

خوشبختانه بعضی از سنت‌ها که با منافع و سرنوشت عمومی تعارض دارد در حال و نابودی است و سنت و رسوم جدیدی که مورد قبول همگان است جانشین آنها میشود .



نمد مالی بوسیله افراد خانواده ترکمن



حمل هیزم یکی از کارهای روزانه اغلب زنان روستایی است



يك دختر ترکمن بالباسهای زیبا در حال ریسندگی

## « کودکان در روستاهای مازندران »

در سراسر مازندران و روستاهای آن تنها يك زایشگاه دولتی که در دو سال اخیر ساخته شده است وجود دارد، بنابراین مادران اغلب در خانه کودکان خود را بدنيا میآورند. امکان مرگ مادر و کودک در نواحی روستائی زیاد است بخصوص که اغلب مادران از غذا و بهداشت و استراحت کافی برخوردار نیستند.

کودکان از اولین روزهای تولد در دامن مادر رشد پیدا میکنند و چون بچند ماهگی برسند بر پشت مادر قرار میگیرد و فقط در موقع گرسنگی گریه می کنند و در بقیه مواقع صبوری تعجب آوری از خود نشان میدهند.

در خانوار روستائی مازندران توجه زیادی بکودک نمیشود و نگهداری و تغذیه آنها روی برنامه ای نیست اغلب کودک در پشت و کول مادران بوسیله پارچه ای بسته می شود در حالیکه مادر باری برسرو بچه ای در شکم دارد و این طفل را هم بر پشت خود و برای فروش کالای خود بشهرها رفت و آمد می نماید در بعضی موارد نگهداری این کودکان بعهدہ خواهران یا برادران بزرگتر آنها محول میشود، تا مادر بهتر بتواند بکارهای خود برسد.

بتدریج که بچه ها بزرگ می شوند از مادر بارکشیدن، صبوری و تحمل را می آموزند.

و از برادر و خواهر بزرگتر فرمانبرداری و مظلومی و از پدران خود راه و روش فرمان دادن را یاد میگیرند .

اما در مراحل بالاتر این کودکان چه میاموزند و برای چه کارهایی آماده می شوند؟ البته دختران و پسران سعی دارند تمام کارهای عملی موجود در خانواده وده را فراگیرند . پسران از پدران یاد میگیرند که چگونه زمینها را شخم بزنند و گوسفندان و دامها را به جنگل روانه سازند و قصابی و درخت کاری و کشت برنج یا پنبه و خانه سازی نجاری ، پرشکی و بطور کلی تمام تربیت علمی پدران خود را همچو باغ و زمین ارثی ، به ارث میبرند اما این افراد همه کاره و هیچکاره در حقیقت هیچ کاری را بطور علمی و عمیق یاد نمیگیرند ، و هرگز در صدد دگرگون کردن و تجدید نظر کردن در آنها نیستند . نجاری می کنند ولی در حقیقت مواد اولیه چوب را خراب می کنند و خانه می سازند اما بشکل و طرحهای قبلی که پدران عمل کرده اند گوئی کارها را بطور غریزی انجام میدهند .

یعنی همانطور که يك زن بور غسل یاد میگیرد کندو بسازد اینان نیز یاد میگیرند که خانه ای یکنواخت و تقلیدی بسازند .

علت واقعی این موضوع محیط کوچک و محدود و زبونی اقتصاد خاص روستائی است که در آن تقسیم کار صورت نمیگیرد و هیچگونه آموزش علمی و فنی حساب شده در کار نیست ، در نتیجه کودک مستعد و فعال روستائی بمرود نادان - محافظه کار - و همه کاره ولی هیچکاره تبدیل می گردد .

کودک در خانواده روستائی دارای شخصیت نیست زیرا کودک یاد میگیرد که بازور و فشار خواسته های پدر و برادر بزرگتر را بپذیرد و نسبت به برادر و خواهر کوچکتر زور بگوید . در حقیقت در خانواده روستائی کودک یاد میگیرد که از برادر بزرگتر و پدر کور کورانه اطاعت کند ، و بر کودکان کوچکتر از خود حکومت کند .

این تربیت بدوی و ابتدائی نتایجی وحشتناک برای جامعه بیار میآورد چنانکه در تمام سطوح جامعه رسوخ کامل می یابد . زورگوئی به زیردستان رواج می یابد و تملق گوئی به بالا دستان باسانی صورت میپذیرد .

بجرات می توان گفت کلیه شکست ها و ناکامیهای تاریخی يك ملت از همین روش ناپسند و تربیت بد سرچشمه میگیرد . این سیستم تربیت که برده پروری حاصل آنست ناشی از سیستم نظامی فاتحان در سرزمین های فتح شده بوده است . دختران تمام کارهایی را که زنان انجام میدهند یاد میگیرند و می توان گفت ساعت کار آنها از ساعت کار پسران همسن خود زیادتر است و زحمات و فعالیت آنها از پسران بیشتر است . گاهی دختران آوردن آب و تهیه هیزم را هم بعهده دارند که ساعت ها از وقت روزانه آنها میگیرد .

این پسران و دختران چون به سن ۱۵-۱۸ برسند اغلب خانواده پدر را ترک می نمایند و خانواده جدیدی تشکیل میدهند گاهی سن ازدواج از این هم کمتر میشود . از آفتاب روشن تر است که علل عقب ماندگی هر ملت عدم تربیت افراد جامعه است ناموقعیکه تربیت نظری و تجربی جانشین تربیت بدوی و عملی نگردد این زبونی و عقب ماندگی پایدار خواهد ماند .

البته رفتن سپاهیان و فرهنگیان باین روستاها و کوشش صادقانه بعضی از آنها شرط لازم و قابل احترام است اما هرگز این شرط کافی نیست و نتایج آن با این جنجال تبلیغاتی ، زیاد نخواهد شد و دلایل آن کاملا روشن است که این فرهنگ و آموزش سطحی نه تنها دردی را دوانمی کند بلکه بعلافت افزایش یقه سپیدان بی هنرو بی تخصص و پر توقع روز بروز باز زندگی طبقات محروم را سنگین تر می نماید و چون اکثریت مردم کشور از این طبقات تشکیل شده اند جامعه در ظاهر فربه میشود اما در حقیقت و باطن زبون و ناتوان باقی می ماند و می توان گفت کشور ۲ میلیون نفری که پانصد هزار متخصص و کارشناس



ورزیده دارد برتر و قدرتمندتر از کشور دویست میلیون نفری است که همین اندازه کارشناس و افراد دارد و این مسأله کاملاً روشن است که کار با نصد هزار کارشناس در یک کشور دو میلیون نفری اثرات شگفت آوری را بجامی گذارد، درحالیکه کار همین عده در یک کشور دویست میلیون نفری نتایج خیلی کمتری بوجود میآورد. بنابراین لازم است میزان درصدا فراد ماهر و ورزیده و کاردان و صادق در جامعه افزایش یابد تا بهمان اندازه جامعه بتواند بسعادتمندی و ترقی دست یابد.

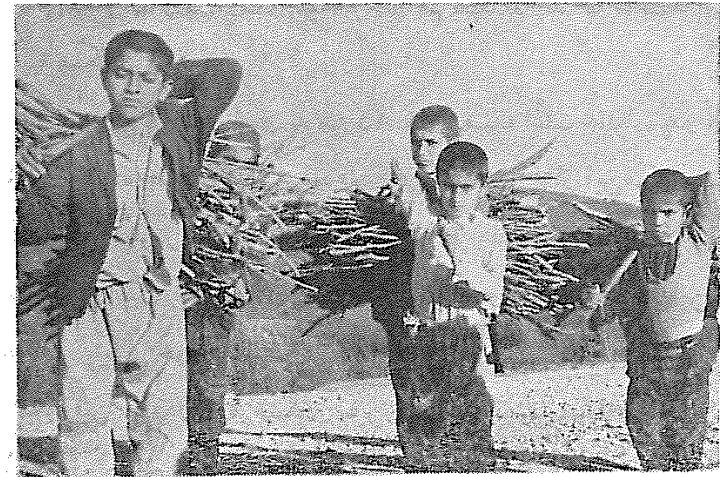
### «اخلاق و روحیات»

آدم روستائی بطور عموم در دایره تنگی از محیط اجتماعی و علمی محصور است که یکنواختی محیط و بی حرکتی آن جامعه را بشکل اسبی درآورده است که چشم بسته بر سنگ آسیائی بسته شده است و دائم درجا میزند.

عامل اصلی این تنگ نظری و محدودیت فکری در درجه اول اقتصاد زبون و ناتوان روستائی و در درجه دوم تربیت عملی و ارثی است که از نسلی به نسل دیگر بدون تغییر مهم و محسوس منتقل می شود. در محدوده کوچک ده هر عملی و اندیشه ای زیر نظر و نظارت همگان صورت می پذیرد و کمتر کسی یارای مخالفت با نظر عمومی و یا سنت شکنی را دارد.

هر نوع نوجوئی و جریان جدیدی در بطن خود خفه و یا در حرکت تباہ میگردد و اندک تغییری در رفتار و اعتقادات و حتی در طرز لباس پوشیدن کافی است تا فرد را از خانواده - محله و ده جدا سازد و مورد سرزنش همگان قرار دهد.

محافظه کاری تنها در پذیرش عقاید جدید نیست بلکه در هر عملی مشاهده میشود. نهایت صرفه جوئی در خوراک لباس - زیست بخاطر آینده نامعلوم صورت میگیرد. ترس از تمام عوامل و وسائل ناشناخته که تعداد آنها زیاد است و در وجود آدم روستائی حاکم مطلق است.



کودکان روستائی با کار خود با اقتصاد خانواده کمک می کنند

ترس و محافظه‌کاری و خرافی بودن که اغلب ریشه‌های اقتصادی و علمی دارد. کار یکنواخت و بدون دقت در یک محیط کوچک، مانع رشد فکری و سبب تحجر مغزی میگردد. این یکنواختی در تمام شئون ده بچشم میخورد - چشمه بهمان صورت و شکل چندصد سال قبل باقی است. مسجد، خانه، کوچه، میدان و حمام ده بهمان صورتی که از کودکی دیده شده پایدار مانده است. بنابراین یک نواختی بر همه چیز حکومت می‌کند در حالیکه کلیه عوامل فوق در شهرها هر ساله تغییر می‌کند و برخورد عقاید و اندیشه‌ها در ده یکنواخت تر از محیط شهر است. روستائیان زود باور هم هستند. ولی در پذیرش اعتقادات و افکار جدید محافظه‌کاری زیادی نشان میدهند روستائیان مازندران اغلب معجوب هستند و در مقابل افراد شهری و بیگانگان گذشت بیشتری نشان میدهند اما با آنها اعتماد کمتری دارند. روستائیان مازندران زود آشنا و در رفاقت ثابت قدم هستند. البته حساب‌گری و پول دوستی آنها گاهی از حد معمول تجاوز می‌کند. دوستی با مأمورین دولت را برای روز مبادا لازم میدانند.

در بسیاری از روستاهای کوهستانی به مقام روحانیت - حاجی - خرده مالک احترام زیادی میگذارند. ولی احترام به دهبان روز بروز کمتر میشود. دهقانان چه در دشت‌ها و چه در کوهستانها جز در ذخیره کردن مواد غذایی آینده نگری ندارند بر نامه ریزی و استفاده از زمان و امکانات مفهومی ندارد. در غرب مازندران و در کناره ساحل دریا که روستائیان با مسافرین در تماس بیشتری هستند. همان روحیه کاسب‌کاری شهر نشینی و خرده‌بورژوازی با همان روحیه محافظه‌کاری حاکم است. در ترکمن صحرا حکومت پدر سالاری و سنت پرستی با شدت بیشتری اعمال میگردد.

در این ناحیه اعتقاد مذهبی حفظ اسرار خانواده از دیگران مهمترین هدف

مردان خانواده است با این وجود در این نواحی تضاد شدیدی بین پسران و پدران وجود دارد روستائیان مازندران شدیداً خرافی ولی در عقاید مذهبی تعصب شدید ندارند. اگر در روستاهای مزبور امامزده‌ای نباشد از وجود درختان و سنگها استفاده میشود. این مراکز نیمه مذهبی تقریباً جای بیمارستانها و پزشکان و قضاات و سایر کارشناسان را میگیرند و روستائیان بجای مراجعه بدکتر و بیمارستان و قاضی و مهندس کشاورزی باین مراکز نیمه مذهبی مراجعه می‌کنند و از زحمت جماعت فوق و بودجه‌های مربوطه میکاهند، بنظر میرسد، این روحیات ناشی از محیط خاص ده می‌باشد و غلبه بر کهنه پرستی - خرافات - پذیرش ایده‌های مترقی و غلبه بر نادانی و ترس زبونی و دستیابی بر زندگی بهتر هنگامی امکان پذیر است که با تمام قوا محیط کنونی ده درهم کوبیده شود، و محیطی بهتر و انسانی تر و آگاه‌تر فراهم گردد و مردم روستائی بدانائی دست یابند.

استفاده از میوه‌جات بدست آمده درده رواج کلی دارد ولی خرید میوه اصولاً رواج ندارد با اینکه اختلاف شدیدی از نظر تغذیه بین روستائیان مازندران وجود دارد اما در نوشیدن چای تقریباً همه روستائیان وضع مشابهی دارند .  
نوشیدن چای نه تنها جای هر میوه و شیرینی را میگیرد بلکه بمنزله نوعی غذا مورد استفاده قرار میگیرد اگر خانواده‌های مرفه شهری بامیوه و شیرینی‌جات خوشمزه خستگی خود را رفع و بیدن خود نیرو میدهند روستائیان هم قسمتی از گرمای بدن خود را از چای و قند تأمین و خستگی خود را رفع می نمایند .

در بسیاری از روستاهای مازندران قهوه‌خانه نه تنها محل خوردن چای است بلکه مجلس بحث و وقت گذرانی و باشگاه واقعی ده بشمار میرود در روستاهای دور افتاده تر کمن برای هر مهمان یک قوری چای داغ و یک پیاله یا فنجان بزرگ می‌آورند تا بدینوسیله نهایت محبت خود را به مهمانان نشان بدهند !؟  
استفاده از گوشت بندرت صورت میگیرد دامداران بزرگ هنگامی از گوشت دامهای خود استفاده می نمایند که دام بیمار یا کاردی یا از پا افتاده باشد چون خانواده نمیتواند در مدت کوتاهی همه گوشت آنرا مورد استفاده قرار دهد و یخچال وسایل نگهداری هم وجود ندارد . آنرا بصورت قرمه یعنی قطعات خرد شده و سرخ شده و نمک زده در آورده و در کوزه‌های مخصوصی نگهداری می کنند !؟

خانواده روستائی اصولاً عادت با استفاده از گوشت ندارد بنا بر این بندرت در مهمانی‌ها یا عروسی‌ها یا جشن‌های مشابه به گوشت دست می یابد چنانکه تحقیق در ۸ خانوار روستائی ساکن در رودگر محله شهسوار نشان میدهد که مصرف سرانه سالانه هر خانوار از ۱۳٫۵ کیلو گوشت تجاوز نکرده است بپر نفر در سال کمتر از ۳ کیلو گوشت میرسد . در ده بی بی شروان در نزدیکی سد و شمگیر وضع از این هم بدتر بوده است و بررسی در چهار خانوار روستائی نشان میدهد مصرف سرانه گوشت از ۲٫۸ کیلو گرم

### «تغذیه روستائیان مازندران»

غذای اصلی روستائیان مازندران غربی - مرکزی کته است . این غذا از پختن برنج در آب بدون روغن بدست می‌آید . اکثر روستائیان این غذا را بدون خورشت می‌خورند گاهی هم آنرا با ماست یا سبزیجات پخته و با قلا میل می نمایند . بندرت از مرغ - ماهی گوشت خورشت استفاده میشود هنگام صرف غذا افراد خانواده بدور ظرف بزرگی از کته جمع می شوند پس از خیس کردن انگشتان خود با آب سرد کته را با سیر سرخ شده یا ماست می‌خورند .

استفاده از نان در این نواحی بتدریج رواج می یابد تا چند سال قبل حتی در شهرها استفاده از نان علامت فقر و ناتوانی مالی خانواده محسوب میشد .

اما در نواحی کوهستانی و روستاهای واقع در دشت گرگان غذای اصلی مردم نان گندم است که در تنورهای خانگی یا نانوائی ده پخته میشود . شیر و ماست و پنیر بهترین خورشت مردم این نواحی محسوب میگردد از سبزیجات کمتر استفاده میشود بطوریکه در دشت گرگان اصولاً سبزی مصرف نمیشود و اهالی تر کمن تمایل بخوردن سبزی ندارند ولی غذای اصلی آنها نان و چای است خانواده‌های ثروتمند تر کمن از غذاهایی مانند آش رشته ، ناردا نه آش و آبگوشت ، چکدرمه استفاده می کنند .

برای هر نفر تجاوز نکرده است البته مصرف سرانه گوشت برای هر نفر در انگلستان و استرالیا از ۹۵ کیلو تجاوز کرده است .

معمولاً در جیره غذایی سالیانه هر فرد ۵۴ کیلوگرم گوشت محاسبه گردیده است. اگر هر خانواده پنج نفری در سال در حدود ۲۷۰ کیلوگرم گوشت مصرف نمایند، لازم میشود هر ساله در حدود ۱/۶ میلیون تن گوشت تولید گردد یعنی هر ساله در حدود ۳۲ میلیون گوسفند ذبح گردد چون اینکار محال و غیر ممکن است ناچاراً باید به صید علمی در دریاها و آبهای ساحلی ایران اهمیت فراوان داد و دامداری فعلی را بکلی دگرگون ساخت و استفاده از گوشت سفید و مواد سفیدهای ولبنیات رواج کامل یابد، در غیر این صورت کمبود مواد سفیده‌ای در جیره غذایی بصورت فعلی باقی خواهد ماند در پل‌سرا - معلم کوه مدت‌ها در خانه‌ای مقیم بودم . افراد خانوار طی یک ماه حتی یکبار از میوه استفاده نکردند در ارتفاعات اطراف چالوس و نور نیز خوراک اصلی اهالی شیر و ماست و در تابستان استفاده از سبزیجات پخته و خام و میوه‌های کوهستانی است .

در روستاهای کناره دریا استفاده از گوشت ماهی در صورتی امکان دارد که خود افراد خانوار روستائی در رودخانه یا دریا به صید بپردازند .

در کوهستانهای لاریجان آمل غذای سالیانه روستائیان نان گندم و یا جوی می باشد پخت سبزیجات و بقولات و استفاده از لبنیات و سبزیجات و میوه‌ها در حدی که خود خانوار تولید می‌کند، با نان توأم میگردد در بسیاری روزها شاهد بوده‌ام که ثروتمندان ده برای فروش برنج و غیره بشهر آمده و مرغ یا سبزی خریداری نموده و برای تغذیه بده برده‌اند این مسئله نارسائی سیستم کشاورزی فعلی را بطور کامل نشان میدهد. در بابل و اطراف آن استفاده از برنج و بقولات جای همه غذاها را میگیرد .

ولبنیات و شیرو ماست کوهستانهای منطقه مورد استفاده قرار میگیرد .

در کوهستانهای جنوب شاهی و ساری غذای اصلی روستائیان شیر و ماست و نان گندم و برنج است و بتدریج هر چه بسوی شرق برویم استفاده از گندم جای خوراک اصلی را میگیرد در ترکمن صحرا نان گندم و جو ، در تنور خانگی پخته میشود و با شیر و ماست ولبنیات دیگر غذا اصلی ترکمنی را تشکیل میدهد و در مواقع مهمانی و یا خانواده‌های مرفه از غذای معروف ترکمنی که خیلی شبیه استامبولی پلو می باشد استفاده می نمایند .

در اطراف بندر شاه تا پهلوی دژ استفاده از گوشت ماهی اوزن برون در فصل زمستان رواج دارد در خانواده‌های کم درآمد ترکمن که اکثریت خانواده‌ها را تشکیل میدهند نان و جای غذای اصلی آنهاست .

در اطراف میرفندرسک و مینودشت نان گندم ولبنیات و سبزیجات غذای اصلی روستائیان است در سراسر مازندران پختن نان بخوبی صورت نمیگردد و در حدود ۳۰٪ نان پخته شده قابل استفاده نیست اصولاً بدی تغذیه روستائیان تنها بعلت کمی مواد غذایی نیست بلکه در بعضی موارد نادانی و عدم اطلاع از احتیاجات واقعی بدن و نحوه استفاده از مواد غذایی و ویتامین‌ها به علل کمبود مواد غذایی و نارسائی و گرسنگی مخفی کمک می نماید .

قوانین زیستی نشان میدهد که آدمی در مراحل مختلف زندگی احتیاج بمواد غذایی متنوع و کافی دارد تا سوخت و ساخت بدن کاملاً عملی شود ، و بدن رشد یابد و انرژی از دست رفته تأمین گردد .

در صورتیکه مواد غذایی کافی ببدن نرسد ، انجام کارهای دقیق علمی - فنی و کارهای سنگین بدنی امکان پذیر نیست و فرسودگی عضلات و اندامها و موجب پیری زودرس و کمی استعداد و بی حالی و بیماری میگردد .

علمای زیست شناسی برای زندگی افراد در مراحل مختلف و محیطهای متفاوت

جیره‌ها غذائی تعیین کرده‌اند مثل يك پسر بچه ۵ ساله به جیره غذائی احتیاج دارد که در حدود ۱۷۰۰ کالری گرما و انرژی در بدن طفل بوجود آورد و يك جوان ۲۲ ساله در حالت عادی به جیره غذائی احتیاج دارد که ۲۴۰۰ کالری حرارت ایجاد نماید. يك کارگر معمولی به غذائی احتیاجی دارد که تا ۳۵۰۰ کالری گرما ایجاد نماید. برای اینکه کالری مورد نیاز بدن تأمین گردد جیره غذائی يك فرد معمولی از مواد زیر ترکیب می‌گردد.

نوع مواد مورد نیاز	نان	گوشت	برنج	سبزیجات	میوه‌جات تازه	قند شیر	تخم مرغ	روغن	املاح و نمک
مقدار به گرم	۳۰۰	۱۵۰	۱۵۰	۲۰۰	۲۰۰	۵۰	۱۰۰	۵۰	۲۰

این جدول مواد - سفیدهای - چربی - قندی و سبزیجات - میوه‌جات ویتامین و مواد نشاسته‌ای تشکیل شده است.

بررسی مواد غذائی مصرفی روستائیان مازندران نشان میدهد که آنها بجای استفاده از تمام مواد فوق مخصوصاً گوشت - تخم مرغ - سبزیجات - میوه‌جات - روغن مصرف نان یا برنج خود را افزایش داده‌اند و بطوریکه بررسی غذای مورد مصرف اهالی روستا از رامسر تا کردکوی نشان میدهد هر خانوار پنج نفری بطور متوسط ۲۲ کیلو برنج در روز مصرف می‌نماید که با آب پخته میشود و در سه وعده مورد مصرف افراد خانواده قرار میگیرد.

بهر نفر از اعضای خانواده بطور متوسط ۶ سیر برنج میرسد که در آن در حدود

۳۰ گرم مواد سفیدهای و ۳ گرم مواد چربی و ۳۳۰ گرم مواد نشاسته‌ای وجود دارد پس از صرف غذای مزبور ۱۰۵۷ کالری گرما در بدن ایجاد می‌شود اگر گرمای حاصله از بقولات و سبزیجات و مواد دیگری که با برنج خورده میشود ۳۵۰ کالری محاسبه نمایم رویهم در روز ۱۴۰۷ کالری گرما در بدن هر يك از افراد خانواده دهقانی تولید می‌شود که در حدود نصف کالری مورد نیاز هر فرد عادی می‌باشد.

در نواحی کوهستانی و شرق مازندران که نان جای برنج را میگیرد و غذای اصلی اهالی روستاها - نان - چای - نان تخم مرغ یا نان با لبنیات و آتش می‌باشد هر فرد ۴۵۰ گرم نان مصرف می‌نماید که شامل ۲۴ گرم مواد سفیدهای و ۱۵۰ گرم مواد نشاسته‌ای و ۳ گرم مواد چربی است که رویهم ۶۹۰ کالری ایجاد می‌نماید.

اگر هر نفر ۲۰۰ گرم شیر مصرف نماید در روز ۱۳۰ کالری بآن اضافه میشود با مصرف مواد دیگری مانند تخم مرغ قند بقولات - آتش رویهم در حدود ۱۲۷۴ کالری تولید می‌گردد.

بنا بر این این گرسنگی مخفی در تمام روستاها بچشم می‌خورد. اکثریت روستائیان مازندران کمبود مواد غذائی و کمبود انرژی لازم را با خوردن چای گرم تأمین می‌نمایند و این موضوع موجب پیری زود رس و کاهش شانس زندگی و کوتاهی زندگی میگردد.

اگر بخواهیم جیره غذائی کاملی برای تمام افراد جامعه فراهم سازیم در سال جاری مقداری مواد غذائی احتیاج داریم که معادل ۲۷ میلیارد کیلو کالری گرما تولید نماید و در اینصورت باید مقدار تولیدات مواد غذائی و کشاورزی را گاهی تا دو بیست درصد افزایش دهیم و چون رشد مواد کشاورزی بسیار کند است و در شرایط کنونی امکان پذیر نیست.

چنانکه رشد دو درصد محصولات کشاورزی با هزار مشکل روبروست و  
دوبرابر کردن بعضی محصولات تقریباً به پنجاه سال وقت احتیاج دارد بنابراین گرسنگی  
منحفی فعلاً بحکومت خود ادامه میدهد و رشد جمعیت ۲٪ اضافه تولید را می‌بلعد و  
احتیاج بمواد غذایی نه تنها از بین نمیرود بلکه روز بروز تشدید میگردد .

## فصل هفتم

### «تشکیلات اجتماعی در روستاهای مازندران»

منظور از تشکیلات اجتماعی در روستاهای مازندران شناسائی طبقه و دستهای  
است که امور مختلف اداری و فنی ده را اداره یا نظارت می‌کند در حقیقت اجتماع  
ده را رهبری و یاهدایت می‌نماید .

اغلب تشکیلات داخلی روستاها بوسیله کادرهای شهری هدایت میگردد .  
بنابراین باید به سهم مأمورین دولت و کارشناسان شهری که در این امر  
دخالت کامل دارند توجه نمود دهبان - انجمن ده بوسیله وزارت کشور تعیین می‌شوند.  
حمامی - میر آب - صندوق دار مدیرعامل صندوق تعاونی از طرف اداره تعیین  
می‌شوند - مامورین بهداشت، کشاورزی، اصلاحات ارضی - دهیاران - مروجین بهزیستی  
آموزگاران - سپاهیان مختلف - ژاندار و پزشک - مهندس و غیره هم‌همه پایگاه شهری  
دارند. و حتی افراد تشکیلات روستائی هم با راهنمایی بانظر همین افراد شهری انتخاب  
و تأیید میشود .

در شرایط کنونی هر اداره و مؤسسه نماینده و برنامه‌های جدا و مشخص برای

ده دارد و با انتشار تمدن روز بروز احتیاج ده بشهر افزایش می‌یابد در حالیکه ده احتیاجات اولیه شهرنشینی را فراهم میسازد. خودبدون نیاز به فن و تجهیزات و مدیریت شهر نمیتواند وسعت و قدرت گیرد .

در اثر درهم شکسته شدن قدرت و نفوذ دهبان و روحانیت که هر دو تقریباً یارو یاور مالکین ارضی محسوب می‌شدند قدرت بین پایگاههای مختلف تقسیم گردیده و دولت در آن میان سهم عمده‌ای دارد در عوض شیوه جدید دمکراسی در روستاها در حال رشد است و انتخاب جای انتصاب را میگیرد . و در صورتیکه این انجمن‌ها و کار آنها دقیقاً بررسی گردد و نحوه انتخاب افراد و کار آنها با نظارت و خواسته کامل قشرهای وسیع ده تطبیق کند می‌توان امیدوار بود که کار روستاها بدست خود آنها انجام می‌گیرد افراد بیشتری بکارهای سازندگی محیط‌کشانده می‌شوند .

در شرایط کنونی انجمن روستاها اغلب در دست بورژواها و ثروتمندان ده می‌باشد در بررسی که روی ۵۳۰ ده اطراف آمل صورت گرفته است . تنها ۲۲۰ ده آن دارای انجمن ده بوده است و از ۱۱۰۰ نفر نمایندگان این روستاها تنها ۲۴ نفر از آنها افرادی بوده‌اند که کمتر از یک هکتار زمین داشته‌اند . و نحوه انتخاب طوری است که افراد ثروتمند ده جای دیگران را اشغال می‌نمایند .

آنچه مشخص است برنامه‌کار و انتخاب انجمن‌ها با شکل فعلی کمتر می‌تواند بهدفعهای بزرگ دست یابد . و تا موقعیکه ایمانی بوجود نیاید و حکومت همگانی ده آنها با تشکیلات مدرن و محاسبه‌شده توأم نگردد . ده همین حرکت لاک‌پشتی را را ادامه خواهد داد .

مثلاً بررسی در روستاهای گرگان و دشت نشان میدهد که بین ۸۵۴ ده و مزرعه و سازمان زراعتی گرگان و دشت تنها ۲۷۰ ده دارای انجمن بوده‌اند و بجای وصول ۱۶۰ میلیون ریال صدی دو درآمد از محصولات کشاورزی تنها ۲۱ میلیون ریال صدی دو وصول گردیده آنها با فشار و تلاش مأمورین مربوطه صورت گرفته است .

اکثریت اعضای این انجمن‌ها از ثروتمندان ده انتخاب شده‌اند که برای فرار از دادن صدی دو به عضویت انجمن درآمده‌اند اغلب برای فرار از پرداخت صدی دو از سایر اهالی هم‌صدی دو وصول نمی‌کنند در چند روستا که افراد فقیر ده انتخاب شده‌اند بعلت نداشتن سواد و توانائی مالی علاقه‌ویی گیری لازم را جهت اجرای طرحهای عمرانی نشان نداده‌اند .

اصولاً در محیطی که سطح فرهنگ و رشد فکری پائین است چگونه می‌توان دمکراسی بوجود آورد ۱۹ در مکانی و محیطی که فقر حکومت همه جانبه دارد و تنازع بین افراد جامعه شدت کامل یافته است باید با انتظار آینده بهتر رنج‌های فراوانی را تحمل نمود .

کلیه محصلین این مدارس روستائی در سال تحصیلی ۴۸ تا ۴۹ بالغ بر ۱۴۵۳۵ نفر دانش آموز بوده اند .

برای هر ۴۵ نفر شاگرد يك معلم داشته اند در صورتیکه مدیر و معلم هر دو بکار تدریس بپردازند بطور متوسط هر ۳۰ شاگرد می توانند از يك کلاس استفاده نمایند . بزرگترین دبستان روستا آمل در آهی محله هرازی با ۳۰۱ نفر محصل و ۴ معلم بوده است . و کوچکترین دبستان روستائی در شمس آب امیری با ۲۴ شاگرد و ۵ اطاق بزرگ و نوساز و يك معلم بوده است . این بررسی اجمالی نشان میدهد . از جمعیت روستائی لازم التعلیم این شهرستان در حدود ۴۹ درصد آن مشغول تحصیل هستند و آمار در سال ۴۵ نشان میدهد در سال مزبور ۵۱ درصد کسانی که باید بمدارس راه یابند بعلل گوناگون از آن جمله نبودن کلاس و معلم و علل اقتصادی دیگر از رفتن ب مدرسه محروم گردیده اند اما بینم این عده افرادی که ب مدرسه میروند . چه می آموزند . و کدامیک از هدفهای جامعه را در سالی آینده اجرا نمایند . شك نیست که بدون آموزش ابتدائی آموزشهای دیگر امکان پذیر نیست ولی تکیه بر کمیت یعنی سعی کردن در راه ازدیاد محصل و اطاق هرگز درد واقعی جامعه را دوا نخواهد کرد و بدون توجه اساسی به پرورش معلم واقعی و احترام معلم و انقلاب واقعی در آموزشهای لازم امکان پذیر نیست معلوم نیست هدف مسئولین آموزش و پرورش کشور چیست ؟ ولی اگر هدف از صرف اینهمه نیروی انسانی و پول و اعتبارات مالی بالا بردن تعداد باسوادان و دادن کوپن های زرد - سبز - آبی ب بعدهای افراد باشد . کار فعلی کاملا درست است . اما اگر غرض تربیت افراد مفید و مؤثری باشد که بتوانند هدفهای واقعی و نیازهای جامعه کنونی و آینده را بر آورده نمایند . اگر هدف پرورش و شکوفان کردن استعداد های نهائی کودکان این کشور باشد . باید تحولی اساسی و انقلابی در آموزش و پرورش کنونی صورت پذیرد .

## بررسی وضع آموزش روستاهای اطراف آمل سال ۴۸-۴۹

سر نوشت کشورها و نژادها با طرز کار و تفکر معلمین هر جامعه بستگی دارد از ۵۳۳ ده واقع در دهستانهای دابو - دشت سر - هرازی - اهل مرستاق - پائین خیابان و بالا خیابان - لیتکوه - بهرستاق - بالا لاریجان - چلاو - دشت سر - دلارستاق که در اطراف آمل قرار گرفته اند . رویهم نزدیک یکصد و چهل هزار نفر در این ۵۳۳ ده زندگی و کار میکرده اند .

در تمام روستاهای فوق ۱۹۲ دبستان روستائی با ۴۹۲ کلاس یعنی هر دبستان با دو اطاق و در بعضی موارد سه اطاق وجود داشته است . و ۳۴۰ ده دهکده اطراف آمل اصلا مدرسه نداشته اند ۵۵ دبستان ساختمانی با مصالح آجری داشته است و ۱۳۷ دبستان دیگر از گل و خشت خام ساخته شده است .

رویهم در کلیه مدارس مزبور ۳۲۳ مدیر و معلم سپاهی مشغول انجام وظیفه بوده اند . و از روی ناچاری در بسیاری نقاط معلم ناچار بوده است . دو کلاس را در يك اطاق و در يك زمان تشکیل دهد و مدیران برای تدریس از شاگردان ارشد دبستان استفاده کرده اند . بطوریکه کلاسیهای اول و دوم ابتدائی باهم در يك اطاق ادغام شده و محصل کلاس چهارم در مواقع ضروری معلم کلاس دوم بوده است .



کودکی که خواندن و نوشتن را فراگیرد و سپس شغل‌های دیگر را باروش‌های قدیمی و بدوی ادامه دهد . چگونه می‌تواند . برای جامعه مفید و مؤثر باشد .  
جز آنکه اندک معلومات فراگرفته را بعنوان علم اولین و آخرین بپذیرد . و در وجودش تحجر مغزی ایجاد گردد . و بعلم نادانی خود را عقل کل بدانند و از طرفی داشتن معلومات نظری هم دردی را دوا نخواهد کرد . باید گفت افراد مفید و موثر کسانی هستند که در حرفه و رشته خود صاحب نظر هستند و از تبحر و تخصص کامل برخوردار هستند و از نظر عمل فردی موثر برای جامعه بشمار می‌روند و پیوسته در حال یادگیری و افزایش معلومات تخصصی خود هستند . و بزبان دیگر غرض از تعلیم و تربیت باید تربیت افرادی باشد که از نظر علمی و فنی در سطح جهانی در ردیف‌های خوب قرار گیرند و پیوسته بصورت فردی جوینده و در پیشرفت باشند .  
آموزش و پرورش کنونی حتی از حل تهیه جا و تهیه وسایل آموزشی عاجز می‌باشد! در طی سالهای آینده هم تلاش می‌نماید که در همین حد انجام وظیفه نماید و افتخار نماید که ۱۲۰ نفر جوان را در يك کلاس کوچک جای داده و وقت و انرژی آنها را بهدر داده است .

## نوسازی روستاها چگونه صورت می‌گیرد

مطالعه وضع اقتصادی - اجتماعی - روستاها نشان میدهد روستاهای مازندران از نظر اقتصادی اجتماعی و موقعیت طبیعی از تمام روستاهای کشور آباتر و ثروتمندتر است . اما در مقام قیاس با روستاهای کشورهای پیشرفته و حتی کشورهای درجه سوم جهان مانند روستاهای اروپای شرقی و مرکزی قابل قیاس نیستند و از آنها می‌توان بعنوان خرابه‌هایی یاد کرد .  
در يك ده اروپائی خانه‌های مدرن و تمیز و محکم که طبق نقشه قبلی پیاده شده بچشم می‌خورند و بوسیله جاده اسفالت به شاهراهها و شهرها ارتباط دارد . آب لوله‌کشی برق - تلفن - حمام - درمانگاه کودکان امفی تأثر - فروشگاه مدرن و غیره وجود دارد .  
مردم ده هم باسواد بالباس‌های تمیز و از غذای کافی استفاده می‌نمایند ساعات کار آنها مشخص و پس از خاتمه کار از تمام امکانات زندگی مدرن کنونی استفاده مینمایند .  
حالا فرض کنیم کشور ایران هم بتواند در طی مدت معین پیشرفت کرده و بیای کشور اطریش و فعالند و یا آلمان برسد نمی‌گویم بیای کشورهایائی مانند امریکا و غیره برسد .

در اینصورت ناچاراً باید برای این اکثریت محروم زندگی و شرایط زیستی مشابه کشورهای مزبور فراهم نمود بطوریکه روستاهای ایران از تمام امکانات مدرن زمانه استفاده نمایند .

درآمد سرانه روستائیان بحدی ترقی نماید که دهقانان ایرانی نه تنها ثروتمند بلکه دانشمند هم بشوند برای اینکه تقلید کورکورانه نکرده باشم و تفاوت شرایط اقتصادی و زیستی در جامعه را در نظر داشته باشیم بهتر است بهر سیم ماچگونه جامعه‌ای برای روستائیان خود آرزو می‌نمائیم .

آیا غرض فراهم کردن وسایل رفاه کامل برای آنان است یعنی اگر دهقان ایران خانه مدرن ثروت کافی و وسایل رفاه مانند رادیو - یخچال - اتومبیل - تلفن - اطاقهای آراسته داشت سعادت‌مند خواهد شد و آرزوی همه برآورده خواهد شد البته در اینجا نظریات متفاوتی وجود دارد بنظر میرسد فراهم کردن این وسایل بر رفاه خانواده کمک می‌کند ولی سعادت‌مندی و شاد بودن خانواده مسئله دیگری است .

گاهی فراهم کردن وسایل رفاه مزبور با قیمت تباه شدن سعادت و سلامت افراد خانواده تمام میشود یعنی قوانین جامعه طوری تنظیم میگردد که تمام نیروی بدنی و فکری افراد صرف تضاد و تعارض با منافع جامعه میگردد و قانون جنگل بر جامعه حکومت میکند . هر کسی سعی میکند به قیمت فقیر شدن دیگران اندک ثروتی بدست آورد بنابراین غرض و نظر این نیست که به قیمت ازدست دادن سعادت‌مندی انسان بر آن وسایل دست یابیم بلکه هدف آنستکه جامعه مادارای روابط تولیدی انسان و آگاهانه‌ای گردد که تضاد بین افراد جامعه به تعارض بین انسان و طبیعت منجر شود .

در آن صورت توزیع ثروت جامعه عادلانه صورت میپذیرد آدمی از مرحله جبر به مرحله اختیار میرسد . اصولاً زمانی می‌توان کار شگفت آور فوق‌العاده نو سازی کشور را انجام داد که تعارض شدید بین افراد جامعه از بین برود و تضاد بین انسان و

طبیعت آغاز گردد و نیروهای جامعه صرف مبارزه با طبیعت گردد .  
اما فرض کنیم سعادت‌مند کردن افراد جامعه را بعهده نسل آینده گذاشت و تأمین رفاه مادی و امکانات معنوی بعهده نسل کنونی باشد .

در اینصورت برای رسیدن باین هدفها یعنی ساختن روستاهای مدرن و بالا بردن رشد فکری و اجتماعی و اقتصادی مردم روستاها چه باید کرد ؟ .

دوره‌حل وجود دارد ؟ یکی راه‌حلی است که در شرایط کنونی صورت میگیرد یعنی واگذاری کار مردم بدست مردم و بزبان دیگر واگذاری روستاها بحال خود تا کم‌کم وبا هدایت تدریجی دولت بتوانند برای خود منازل جدید بسازند و سعی نمایند پیوسته بایکدیگر در حال تعارض باشند تا درآمد عمومی آنها افزایش یابد پول دکتور و دارو و کارشناس و معلم را هم خودشان بپردازند خودشان بتدریج ثروتمند و سعادت‌مند گردند .  
راه دوم انتخاب راهی انقلابی و منظم که طی مدت معینی مثلاً بیست سال کلیه اقتصاد روستائی را زیر رونماید و تعداد کمی از روستاهای قابل تغییر نو سازی و بقیه روستاهای مخروبه بکلی زیر و رو گردد و در مجاور آنها روستاهای مدرن احداث گردد .  
و افراد زیادی روستاها بمرکز صنعتی جدید جذب شوند .

بطوریکه طی ۲۰ سال آینده نسبت جمعیت روستائین کشور از ۱۰ تا ۱۵ درصد کل جمعیت تجاوز نکند بنابراین بهتر است هر دو مورد را دقیقاً بررسی نمایم .

کشاورزی تقسیم شدن قدرت بین اهالی ده همه دست بدست هم صدمات بزرگی  
بروستائیان زد و مهاجرت بسوی شهرها را افزایش داد .

البته جمعیت روستائی در مرحله دوم رشد جمعیت یعنی تولد زیاد و مرگ و میر  
کم است ولی امکان دارد طی بیست سال آینده رشد جمعیت به مرحله سوم برسد که  
تولد متعادل و مرگ و میر کم ، جانشین رشد فعلی جمعیت گردد یعنی در صدر رشد جمعیت  
به مقدار ثابتی برسد .

در صورتیکه نوسازی روستاها طبق برنامه‌های دقیق علمی و فنی بطور سریع و  
درست انجام نشود بسیاری از روستاهای متروک و اهالی آن بشهرها کوچ می‌نمایند .  
اقدامات بعدی دولت در روستاها عبارت بود :

- ۱ - تشکیل بانک کشاورزی جهت وام‌دادن با اهالی روستاها .
- ۲ - تشکیل انجمن ده برای هر دهی که جمعیت آن به ۲۵۰ نفر رسیده باشد  
این انجمن با ۵ عضو کلیه کارهای اجتماعی و عمرانی ده را زیر نظر می‌گیرد .
- ۳ - تشکیل شرکت‌های تعاونی بمنظور مقابله با سلف خران و جلوگیری از  
تسلط بانک‌ها برده .
- ۴ - تشکیل سپاهیان انقلاب و اعزام آنها در سطح روستاها برای تعلیم و تربیت  
و هدایت روستائیان که هدف انجام نیازهای فرهنگی و بهداشتی آنها بوسیله این سپاهیان  
بوده است .

۵ - تصویب قانون وصول صدی دو از درآمد روستائیان برای کارهای عمرانی  
که بایستی در هر سال بالغ بر ۱۵۰۰ میلیون ریال گردد ولی بعلم زیاد در شرایط کنونی  
به ۱۸۰ میلیون ریال هم نمیرسد .

۶ - کمک فنی و مالی لازم بانجمن‌های ده بطوریکه دولت ۷۰ درصد هزینه  
مؤسسات عمومی مانند حمام - مدرسه - جاده را بانجمن‌های ده کمک می‌کند و این

## الف - نوسازی کنونی بچه صورت انجام می‌شود

دولت از سالهای ۱۳۲۹ بفکر نوسازی روستاها افتاده ولی اقدامات اجتماعی از  
سال ۳۶ شروع شد که عده‌ای از جوانان تحصیل کرده ده دوره مخصوص دهیاری دیدند  
و بروستاها اعزام شدند و اداره امور اجتماعی و اداره عمران دهات تأسیس شد و بزرگترین  
قدم برای روستاهای کشور در سال ۴۲ بعد از انقلاب سفید ایران برداشته شد و آنهم  
نابود کردن سیستم زمین‌داری بزرگ و تقسیم زمین بین روستائیان بوده است اینکار  
نظام چندین هزار ساله را درهم ریخت و روابط جدیدی بوجود آورد بطوریکه شعار  
زمین برای کسی که روی آن کار می‌کند شعار روز شد و بتدریج روستائیان استقلال  
فکری و اقتصادی یافتند .

متأسفانه این کار بزرگ و انسانی بعلم چند نتایج لازم و کامل خود را بدست  
نیآورد رشد جمعیت سرعت افزایش یافت بطوریکه افزایش جمعیت از رشد اقتصادی  
سالیانه تجاوز کرد و تعارض بین خود روستائیان فزونی یافت .

۲ - بعلم نبودن تشکیلاتی که جانشین مالکین سابق شود و از نظر مالی و فکری  
بروستائیان کمک لازم را بکنند و یا کار آنها را کنترل نماید و نفوذ نزول خواران و سلف  
خران ده و نبودن برنامه‌های علمی - فنی - اقتصادی حساب شده برای اداره و پیشرفت

طرح راوزارت آبادانی و مسکن اجرا می کند .

۷ - احداث يك سري راههای فرعی در بر نامه سوم که رویهم شامل ده هزار کیلو- متر راه می باشد تاروستاهای بزرگ را برما کز شهری متصل نماید . و مصنوعات شهری با سرعت بیشتری درده مصرف گردد و محصولات کشاورزی بموقع بیازار برسد .

۸ - تشکیل خانههای انصاف واقدامات مشابه .

۹ - تشکیل انبارهای کود شیمیائی و آشنا کردن روستائیان با فواید کودهای شیمیائی و غیره .

۱۰ - اعزام مروچین خانه داری - کشاورزی و تهیه بندرهای اصلاح شده و کمک های فنی دیگر بروستائیان .

۱۱ - اعزام کارشناسان مختلف درسطح روستا و کمک های مختلف دیگری که در همه حال هدف ، بهتر کردن وضع روستائیان بوده است .

با اینکه کمک های دولت در تمام سطوح بوده است ولی بعلت پراکندگی فوق العاده روستاها و جمعیت زیاد و داشتن آداب و سنن مختلف نتایج این کمک ها چندان رضایت بخش نبوده است . با توجه با اینکه در حدود ۶۸ درصد جمعیت فعلی کشور در روستاها بسر می برند آنها در ۶۷۰۰۰ ده - دهکده - مزرعه با شجاعت می توان گفت کمک های مزبور در مقابل تقاضاهای بی شمار و احتیاجات روز افزون روستائیان ناچیز بوده است و این موضوع را با آمار و ارقام زیر می توان بهتر روشن ساخت .

در مازندران در حدود ۱۳۳ دهستان و ۶۱۲۰ ده و دهکده و سازمان و مزرعه وجود دارد که ۷۶ درصد جمعیت این استان در روستاهای مزبور زندگی می کند (آمار سال ۴۵) در حالیکه آمار سال ۳۵ تعداد این روستاها را ۵۰۸۲ عدد نشان میدهد . طبق گزارش رسمی استانداری مازندران از آبان ماه ۴۷ تا مهر ماه سال ۴۸ دولت مبلغ ۳۱۲ میلیون ریال جهت اجرای طرحهای عمرانی به این استان اختصاص داده است که

مبلغ ۲۹۰ میلیون ریال برای شهرهای مازندران فقط ۲۲ میلیون ریال را صرف اجرای ۲۷ طرح کوچک روستائی نموده است بزبان دیگر با اینکه جمعیت روستاها سه برابر جمعیت شهرها بوده است اعتبار عمرانی آنها سیزده برابر کمتر از عمران شهری بوده است . با توجه با اینکه هنوز در بسیاری از شهرها مسائل الزامی مانند آب - اسفالت - کود کستان - مدارس کتابخانه - پارک و غیره حل نشده است آنوقت حل مسائل روستائی با این اعتبارات چگونه صورت میگیرد ؟

بخصوص که هر چند سال يك بار دولت وظایف نوسازی روستاها را به سازمانی میدهد و تمام تجربیات و کارشناسان کار کرده در روستاها را متفرق میسازد گوئی اصولا فکر علمی و هدف نوسازی برای روستاها نیست و رفع تکلیف جای احساس مسئولیت را میگیرد .

فرض کنیم ما بخواهیم این راه را ادامه دهیم و برنامه دولت ادامه کمک های فعلی بشکل کنونی باشد بنظر خواننده گرامی چند ده سال دیگر می توان بهدفعهای خواسته شده رسید .

با افزایش جمعیت فعلی روستاها با توجه به تحقیقی که در چند روستای اطراف آمل و بابل - گرگان صورت گرفت کسی می تواند ادعا کند درآمد سرانه کنونی افزایش یابد و چه برسد به آن که ۶ برابر گردد و تا چه رسد که ۶۰ برابر شود .

بنابراین از آفتاب روشن تراست که با روشها و سیستم کار کنونی غیر ممکن است دهقان ایرانی با این سادگی به پایه علمی و فنی دهقان فرانسوی یا اطریشی برسد، اما اجرای طرحهای عمرانی بشکل کنونی در روستاها بقدری مشکل و طاقت فرسا و توأم با تشریفات است که در بسیاری موارد روستائیان و پیمانکاران از کمک و پول دولت میگذرند و خود را راحت می نمایند مثلا برای ساختن يك دبستان باید تشریفات زیر انجام شود .

فرض کنیم یکی از مادر ده یساقی کردکوی سکونت داریم و میخواهیم تقاضای احداث یک باب دبستان را از مراجع مربوطه بنمایم .

ابتدا باید تقاضای به بخشداری بفرستم و تقاضای تشکیل انجمن ده را بنمایم در صورتیکه جمعیت ده ۲۵۰ نفر بود و بین اهالی هم اختلافی وجود نداشته باشد مأمورین مربوطه وقت و وسیله داشتند بده می آیند و انتخابات صورت میگیرد دو ماه بعد اعضای انجمن معرفی می شوند .

زیرا باید هویت افراد مزبور مورد تأیید مقامات مربوطه باشد انجمن ده باید فوراً برای اهالی ده صدی دو صادر و در صورتیکه همه اهالی محبت کنند بموقع صدی دو را بدهند و انجمن ده توانائی مالی پیدا کند باید حسابی در بانک باز شود که رئیس انجمن و خزانه دار حق برداشت پول را داشته باشند .

و سپس تقاضا شود که یک نفر دهیار بده بیاید و برنامه ساختن مدرسه را در برنامه مربوطه بگذارد و آنرا بشورای بخش ببرد و در حدود دو ماه طول می کشد تا طرح مزبور تصویب گردد .

بعد انجمن ده تقاضای ساختن دبستان را به گروه آبادانی ومسکن رد کند و تقاضا کند مدرسه ای در ده آنها ساخته شود .

گروه مزبور تقاضا را به آبادانی ومسکن منطقه میفرستند در آنجا پس از بررسی کامل تقاضا را باداره آموزش و پرورش استان میفرستند و سپس هر دو اداره تقاضا را برای هر گونه اتخاذ تصمیم به تهران ارسال میدارند در صورتیکه اعتباری وجود داشته باشد کارشناسان از محل بازدید و نظریه میدهند . و چون اعتبار در اختیار ذیحساب سازمان برنامه است باید طرحی تهیه و دوباره در استان تصویب شود که دبستانی در ده یساقی ساخته شود .

در صورتیکه انجمن ده توانائی لازم را داشت و بموقع سهمیه خود را بحساب

ذیحسابی ریخت و سند رسمی واگذاری زمین مجانی را ارائه داد و اعتبار مربوطه از طریق سلسله مراتب - تهران استان - منطقه طی شد آنوقت اداره آبادانی ومسکن منطقه پیمانکار را انتخاب می کند و انتخاب پیمانکار هم داستان جداگانه ای دارد و قرار داد ساختمان دبستان امضاء و کار شروع میشود .

تازه اول مشکلات است زیرا پیمانکاران کوچک توانائی مالی و فنی کامل ندارند دولت هم بموقع پول نمیدهد اغلب کارها میخواهد یا بخوبی انجام نمی گیرد .

اغلب این تشریفات در حدود ۴ تا ۱۰ ماه طول می کشد تا کار شروع شود و بالاخره دبستانی ساخته شود تازه وقتی دبستان ساخته شد تجهیز آن و تهیه میز و نیمکت و در مرحله آخر اعزام معلم بده داستانهای دیگری است که از حوصله این مقاله خارج است.

## ب- نوسازی واقعی روستاها

بررسی راه اول نشان داد راه دوم نه تنها لازم است بلکه امری است جبری که در سر راه پیشرفت و تمدن آینده ایران قرار گرفته است. بنابراین هرچه زودتر شروع شود زمان رسیدن به هدف را کوتاهتر و دوره بهره‌برداری و رفاه مادی و سعادت معنوی را زودتر و بهتر در اختیار مردم خواهد گذاشت. بررسی درآمد ملی کشور در سال ۳۵ نشان می‌دهد که ۲۶ درصد درآمد ملی ایران به بخش کشاورزی تعلق داشته است در حالیکه در همان سال ۷۳ درصد جمعیت ایران در روستاها بسر می‌برده‌اند.

البته ۷ درصد مردم شهر نشین هم بکار کشاورزی مشغول بوده‌اند که درآمد اینان از سهم کلی کشاورزی باید کسر گردد و چون در روستاها صنایع دستی بخصوص قالی بافی و غیره رواج دارد می‌توان قبول کرد که همان ۲۶ درصد درآمد ملی به ۷۳ درصد جمعیت کشور تعلق دارد یعنی ۸۱ میلیارد ریال در آمد بخش کشاورزی بین چهارده میلیون نفر تقسیم گردیده است.

در این آمار بخوبی مشخص می‌گردد که اولاً توزیع ثروت عادلانه نیست در ثانی بخش کشاورزی بعلمت کمی زمین خوب و بدی تکنیک سهم ناچیزی در تولیدات ملی ایران دارد.

آمار سال ۴۵ نشان می‌دهد در حالیکه ۶۷ درصد جمعیت کشور در روستاها بسر می‌برند، نتوانسته‌اند غذای مورد نیاز خود و ۳۳ درصد جمعیت شهر نشین را تهیه و تأمین نمایند و ناچاراً مقدار زیادی محصولات کشاورزی از خارج وارد گردیده است. بنابر این بخوبی روشن می‌شود که باید این روش و سیستم کشاورزی تغییر اصولی و اساسی یابد بخصوص که در کشورهای پیشرفته فقط ۱۰-۱۵ درصد جمعیت کشور در روستاها بسر می‌برند و با کار و تکنیک عالی خود نه تنها غذای خود و ۸۵ درصد جمعیت شهر نشین را تهیه می‌کند بلکه مقدار زیادی محصولات کشاورزی خود را بکشورهای دیگر صادر می‌کند.

از طرفی بررسی نیروی کار در ایران نشان می‌دهد که بیکاری مخفی در روستاها بیداد می‌کند و علاوه بر بیکاری علنی آنهائی هم که ظاهراً شاغل هستند حتی يك سوم کار واقعی و لازم را انجام نمی‌دهند در شهرها وضع بدتر است هزاران شغل يك نواخت وجود دارد که از صبح تا شام وقت مردان را برای درآمد ناچیزی می‌گیرد و میلیونها نفر که دچار بیکاری مخفی هستند در شهرها زندگی می‌کنند.

**چون طلسم عقب ماندگی را فقط با نیروی کار می‌توان شکست و جز این نیرو هیچ حربه‌ای بر طلسم مزبور کارگر نیست.**

بنابراین پیشنهاد می‌شود تمام توجه و سرمایه واقعی را روی شهرک‌ها بکارانند زیرا تا آنجا که امکان دارد نگذاریم جمعیت شهرها از ۳۰۰ هزار نفر تجاوز کنند در حقیقت بهترین شهرهای دنیا شهرهای دویست هزار نفری هستند که در آن انسان می‌تواند از زندگی متوسط ولی راحت برخوردار گردد.

طبق برنامه‌های حساب شده برای بیست سال جمعیت روستائی را باین مراکز کوچک شهری که تبدیل به قطب‌های صنعتی شده‌اند هدایت نمایم و روستاهای کهنه و فرسوده را در هم بریزیم و واحدهای بزرگ کشاورزی مانند شرکت بزرگ و مدرن زراعتی پدید آوریم که در این واحدها ماشین‌های کارآدمی را بگیرد و انسان نقش

هدایت ماشین و بهره برداری علمی از زمین را بعهده بگیرد .

در حقیقت ۲۰ درصد جمعیت کشور کارهای کشاورزی کشور را بانجام برسانیم و بقیه جمعیت در قطب‌های صنعتی بکار فنی و خدمات سودمند بپردازند .

محاسبه اقتصادی نیز نشان میدهد که برای اداره ۶ تا ۲۵ میلیون هکتار زمین آبی و دیمی فعلی ایران حداکثر بدو میلیون خانوار کشاورز احتیاج دارد که رویهم‌دهه ۶ میلیون نفر آدمی را در روی زمین‌های زراعتی مسقر می‌نماید این ده میلیون جمعیت می‌توانند در ۷ هزار واحد کشاورزی جدید مستقر شوند .

جمعیت ایران را طی ۲۰ سال آینده می‌توان در حدود ۵۰ میلیون نفر محاسبه نمود . اگر ده میلیون نفر آن در روستاها زندگی نمایند باید طی بیست سال آینده شرایطی فراهم گردد که ۴۰ میلیون نفر از جمعیت مزبور در شهرها بزرگ و کوچک زندگی نمایند .

در اینصورت برای زندگی بهتر این جمعیت چه اقداماتی لازم است ؟

فرض کنیم به وجوه دیگر زندگی این مردم کاری نداشته باشیم ، تنها برای تهیه کار - مسکن خوب - آموزش پرورش و بهداشت و غذا آنها عملیات زیر ضرورت دارد .  
۱- تهیه ۹ میلیون شغل جدید در صنایع جدید و خدمات سودمند لازم می‌باشد .  
برای تهیه این تعداد شغل مقید و موثر حداقل ۷۸۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه گذاری لازم است که هر سال معادل ۳۹۰۰۰ میلیارد ریال می‌گردد زیرا برای اشتغال هزار نفر کارگر و کارشناس در یک کارخانه حداقل ۷۵۰ میلیون ریال سرمایه گذاری لازم است .

۲ - در صورتیکه بخواهیم فاصله بین شهر و ده را از بین برود و همه روستائیان و ساکنین شهرها از خانه بهتر برخوردار شوند لازم است در حدود ۶ میلیون واحد ساختمانی جدید بارزش تقریبی ۶۰۰۰۰ میلیارد ریال بسازیم که هر ساله بطور متوسط ۳۰۰۰ میلیارد ریال سرمایه لازم دارد .

صدها هزار کارگر و مهندسین و کارشناس بکار بپردازند .

۳ - در صورتیکه بخواهیم برای تمام کودکان ایرانی که بسن هفت سالگی میرسند وسایل تحصیل فراهم گردد و اجازه ندهیم کسی بی‌سواد بزرگ شود هر ساله باید برای یک میلیون دانش‌آموز در حدود ۲۵ هزار اطاق دبستانی و ۱۵ هزار اطاق دبیرستانی کتابخانه آزمایشگاه - دانشکده ساخته شود و حداقل ۵۰ هزار معلم - دبیر - مدیر و استاد تربیت شود و اعتبارات مالی لازم برای اینکار هر ساله از ۹۰ میلیارد ریال تجاوز می‌کند .  
۴ - در مورد تأمین بهداشت و درمان بیماران این جامعه هر ساله به بیست هزار تخت خواب جدید و ده هزار دکتر - پرستار - پرسنل بیمارستانی احتیاج است .

۵ - برای خدمات فوق هر ساله حداقل صد هزار مهندس - کارشناس - متخصص در رشته‌های مختلف احتیاج داریم زیرا تعداد پزشکان از مرز ۸۴۰۰ نفر و تعداد مهندسین از ۶۵۰۰ نفر تجاوز نکرده‌اند (آمار سال ۴۸)

اما ترتیب این تعداد کارشناسان میهن پرست - انسان دوست - لایق فعال مشکل‌تر از تهیه سرمایه‌های فوق می‌باشد .

برای تأمین بهداشت عمومی و درمان همگانی مجانی برای تمام طبقات اجتماعی و تربیت صد هزار کارشناس هر ساله به دهها میلیارد ریال اعتبار و صدها میلیون ساعت کار آگاهانه و صادقانه احتیاج است .

۶ - در مورد تهیه مواد غذایی که بتواند ۴۴ میلیارد کیلو کالری انرژی برای تغذیه علمی و لازم ۵۰ میلیون نفر جمعیت ایران تأمین نماید باید چندبار معجزه کرد زیرا اکثر محصولات کشاورزی باید چند برابر شوند با مقدار آب فعلی در ایران و زمین زراعتی محدود چگونه می‌توان در عرض ۲۰ سال تولید غلات را سه برابر نموده برای اینکه احتیاجات مواد غذایی سال ۱۳۷۰ مشخص شود جدول زیر ارائه میشود که در یک ستون مقدار محصولات کشاورزی تولید شده در سال ۴۰ طبق گزارش مقدماتی وزارت کشاورزی درج گردیده است در ستون دیگر مقدار مواد غذایی مورد نیاز مردم ایران در سال ۱۳۷۰ محاسبه گردیده است .

بنابر این هر ساله باید مبلغی معادل ۸۷ میلیارد ریال برای بدست آوردن مواد غذایی مورد نیاز این جمعیت بدست آورد.

اما برای بدست آوردن این محصول چه مبلغی باید سرمایه گذاری نمود طبق عمل کرد برنامه سوم برای افزایش چهار درصد محصول اضافی در برنامه کشاورزی مبلغ ۴۹ میلیارد ریال جهت آبیاری سد بندی و اصلاح بذر و تهیه کود سرمایه گذاری شده است.

بنابر این طبق همین محاسبه می توان حدس زد در صورتیکه بعضی از محصولات باید چهار برابر و بعضی سه برابر شوند بطور متوسط لازم است برای بدست آوردن محصولات کشاورزی کافی در سال ۱۳۷۰ برای جمعیت ایران مبلغی در حدود ۳۷۲۵ میلیارد ریال در کارهای کشاورزی سرمایه گذاری شود البته در صورتیکه مقدار آب موجود اجازه دهد که زمینهای جدیدی زیر کشت برود تا بتوان مواد غذایی جمعیت مزبور را تهیه نمود. ۱۹

بزرگان ساده تر مقدار سرمایه ای که لازم است تا راه دوم نوسازی روستاهای کشور صورت پذیرد هر ساله بالغ بر ۹۸۲ میلیارد ریال می باشد.

اگر درآمد فعلی کلیه ایران را از تولیدات کشاورزی و صنعتی و نفت و ساختمان و حمل نقل و غیره در حدود ۵۶۰ میلیارد ریال محاسبه نمایم باین نتیجه میرسیم که برای اجرای نوسازی واقعی روستاهای کشور که مستلزم نوسازی و دگرگونی واقعی جامعه ایران است.

راه بسیار مشکل و مسائل حل نشدنی در پیش داریم بطوریکه اگر مردم سراسر کشور روزه بگیرند و لباس نپوشند و هیچ خرج دیگری نکنند و تمام درآمد سالیانه خود را رویهم بریزند و صرف سازندگی کشور نمایند مبلغ ۴۲۲ میلیارد ریال اعتبار مالی و پول است تا برنامه نوسازی واقعی کشور هر ساله صورت پذیرد و طی بیست

شماره	محصولات کشاورزی	تولید به هزار تن در سال ۴۰	تولید به هزار تن در سال ۱۳۷۰	تفاوت به هزار تن	ارزش محصولات تولیدی به میلیون ریال	ملاحظات
۱	گندم و جو	۴/۹۰۰	۱۲۵۰۰	۷۶۰۰	۳۳۸۰۰	
۲	برنج	۷۵۰	۳۰۰۰	۲۲۵۰	۶۷۵۰۰	
۳	روغن نباتی	۵۵	۱۸۰	۱۲۵	۶۲۵۰	
۴	چای	۱۹	۴۰	۲۱	۴۲۰۰	
۵	قند	۲۳۰	۹۰۰	۶۷۰	۱۶۷۵۰	
۶	پنبه	۲۲۵	-	-	-	
۷	خشکبار	۲۲۵	-	-	-	
۸	میوه تازه	۱۴۱۰	۲۸۲۰	۱۴۱۰	۱۴۱۰۰	
۹	سبزیجات و سیفیجات	۱۳۵۰	۲۷۰۰	۱۳۵۰	۱۳۵۰۰	
۱۰	تولید گوشت کوسفند گاو و مرغ و ماهی	۳۴۶	۲/۱۰۰	۱/۲۵۴	۱۴۰۳۲	
۱۱	شیر	۱۹۴۰	۵۸۲۰	۳۸۸۰	۳۸۸۰	
۱۲	تخم مرغ	۵۵	۱۶۵	۱۱۰	۷۷۰	
۱۳	دانه های روغنی	۲۵۰	۵۰۰	۲۵۰	۷۵۰	
۱۴	توتون	۲۵	۵۰	۲۵	۱۲۵	

ارزش جمع کمبودها به ریال ۱۷۷۵۶۵/۷۰۰۰۰۰۰



سال چهره کشور دگرگون گردد آنهم در صورتی که تمام نیروی فکری و بدنی افراد سالم بکار گرفته شود .

پس چاره چیست ۱۹

آیا با کمک مالی کشورهای دیگر می توان با اجرای این برنامه پرداخت ۱۹ جواب معلوم است زیرا از آفتاب روشن تر است که با کمک بیگانگان نمیتوان زندگی و آینده يك ملت را ساخت ۱۹ و یکصد و پنجاه سال تاریخ اخیر این موضوع را ثابت کرده است . تنها جوابی که دارم و تنها راه حلی که بنظر می رسد اینست که ایران بجای هر چیز احتیاج يك ایده لوژی علمی و متری دارد تا در سایه آن بهمه چیز دست یابد .

## پاورقی

۱ - اوزرود - رودخانه ایست در مازندران مرکزی که از ارتفاعات اور. کلا - ناحیه نسن - سرچشمه میگیرد و مسیر غربی شرقی خود را بین جاده چالوس تاجاده هراز بطول ۸۵ کیلومتر ادامه میدهد و در محل دوآب به رودخانه هراز میریزد حداکثر آب این رود در خرداد ماه و آبدیه سالیانه آن در حدود ۷۰ میلیون متر مکعب برآورد گردید .

مسیر این رودخانه یکی از زیباترین دره های مازندران و ایران محسوب میگردد .  
۲ - اسک دهی کوچک و کوهستانی در کنار رودخانه هراز است این ده در کنار گسل بزرگ اسک و قله دماوند قرار گرفته است آب و زمین های اطراف این ده از نظر زمین شناسی اهمیت دارد .

۳ - آمفیبول Amphiboles یکی از انواع سنگهای آذرین است که برنگ های سفید - قرمز خاکستری - زرد یافت می شود وزن مخصوص آن بین ۳٫۴ تا ۲٫۹ و درجه سختی آن بین ۶-۵ می باشد از بلورهای سوزنی این سنگ در تهیه پارچه های نسوز و پنبه و لوهای آزبست (ایرانیت - فارسیت) استفاده میگردد .

۴ - آمردها - آمدها تیرهائی از نژاد آریایی بوده اند که در ارتفاعات فعلی سمنان بکار دامداری مشغول بوده اند و بتدریج به شهر آمل و ارتفاعات اطراف آن کوچ کرده اند .

۵ - تراورتن Traverin نوعی سنگ آهکی متخلخل است که پس از تراش در نمای ساختمانها بکار میرود و اغلب در کنار چشمه های آبگرم آهک ساز رسوب می کند .

۶ - تراکیت - بازالت - گابرو - از خانواده سنگهای آذرین و خروجی Hypocristalline با دانه های درشت بلوری و ستونهای بزرگ سیاه - خاکستری

با وزن مخصوص بین ۱/۳-۲٫۷ در جناح شمالی رودخانه هراز واقع در چهار کیلومتری غرب اسك ستونهای تراکیت - بازالت قابل رویت می باشد .

۷ - تکتونیک Tectonic فشار رسوبات دریائی بتدریج موجب عکس العمل پیوسته زمین و شکاف - گسل - شکت و لرزش - ریزش - لغزش میگردد گاهی این حرکات موجب خروج مواد مذاب داخل پیوسته زمین میگردد در مجموع این حرکات را تکتونیک می نامند .

۸ - تنگلی - دهی واقع در شمال شرقی بهلو بندرگان که در روی تپه کم ارتفاعی قرار گرفته است و با پانصد نفر جمعیت پس از اینچ بیرون مهم ترین روستای مرزی این ناحیه بشمار میرود و در کنار این ده مسیر رودخانه اترک به شوره زارها و گودال های بزرگ و کوچکی بنام گل تبدیل میگردد .

۹ - دریای تیتس Tetes دریای وسیع و کم عمقی بوده است که در اواخر دوران دوم زمین اکثر سرزمین های فعلی آسیائی را می پوشانده است و مادر دریاچه هائی مانند (خزر - پایگال - ارال و غیره) بشمار میرود .

۱۰ - دبی رودخانه ها - مقدار آبی است که طی يك ثانیه یا یکسال از مقطع عرض يك رودخانه یا چشمه در فاصله يك متر میگذرد دبی یا آبد رودخانه نامیده می شود .

۱۱ - ژئوسینکینال Geosynclinal حفره و گودال های بزرگ اولیه با وسعت میلیونها کیلومتر مربع که اقیانوسها و دریا های بزرگ را بوجود آورده اند. این گودالها بتدریج آب و رسوبات ارتفاعات مجاور را بسوی خود جذب کرده وضخامت این رسوبات موجب عملیات کوهزائی و پیدایش ارتفاعات جدید میگردد . و این داستان طی چند صد میلیون سال بعد تکرار میگردد .

۱۲ - ولاشید - تاگر دو روستای کوچک ولی زیبای کوهستانی شهرستان نور که در کنار رودخانه اوزرود قرار گرفته اند .

۱۳ - جاجی دلا - سوا - کرف - کهرود روستاهای کوچک و بیلاقی که در جناح شمالی قله دماوند و دره نمارستاق قرار گرفته اند و دره ها و ارتفاعات اطراف آنها از نظر زمین شناسی اهمیت دارند .

۱۴ - چشمه قمپزی - چشمه کوچکی در وسط ده اسك لاریجان آمل است که در بهار و تابستان اندک آب آن توام با گاز گر بنیک از دل زمین میجوشد بعلمت خروج ذرات گاز حجیم ظاهری آب زیاد بنظر میرسد در حالیکه آبی که در کنار این چشمه جاری میگردد آب واقعی چشمه است که بسیار کم است و بهمین جهت آنرا چشمه قمپزی نامیده اند .

۱۵ - PH درجه و عددی است که میزان اسیدی - قلیائی - خنثی بودن آب و محلولهای شمیائی نشان میدهد بطوریکه PH=۷ حالت خنثی و بین ۱۴-۷ حالت قلیائی و از عددش ۷ بسوی صفر حالت اسیدی محلولهای فوق را نشان میدهد .

۱۶ - Feldspath یکی از عمده ترین جزء سنگهای آذرین بشمار میرود و برنگهای الوان دیده می شود وزن مخصوص آن بین ۲٫۵ تا ۲٫۷ و درجه سختی آن بین ۵ تا ۶ می باشد بعلمت داشتن سلیکاتهای یتاسم - سدیم - پتاسیم مهم تقسیم میگردد بخار آب و اسید کربنیک محلول در آب باران موجب تجزیه سلیکاتهای کلسیم - آلومینیم و غیره به خاک رس و خاک چینی میگردد و در حقیقت این سنگ یکی از آرگانهای مهم خاک رس بشمار میرود .

۱۷ - سیکلونهای غربی - ابرهای باران آوری هستند که از غرب اروپا و دریای مدیترانه و سیاه بسوی فلات ایران مکیده می شوند و موجب نزولات جوی در این ناحیه میگرددند .

۱۸ - شیست Sehiste خاک رس فشرده و دگرگون شده ایست که با مواد دیگر مانند ذغال سنگ و غیره ترکیب گردیده و بصورت متورق در ارتفاعات البرز و ارتفاعات

شرق گرگان دیده می شود .

۱۹ - کنگلومرا **Gonglomerat** سنگی مرکب از سنگهای بزرگ و کوچک زاویه دار و صاف که در یک ملات و خمیر آهکی یا سیلیسی بیکریگر چسبیده اند .

۲۰ - کلرورسولفات - آب دریاچه ها را بر حسب موادمیائی محلول در آنها تقسیم بندی کرده اند تلخی آب دریای خزر نشانه سولفات منیزیم و کمی کلرورسیدیم آب این دریاچه نسبت به آب اقیانوسها نشان میدهد که آب این دریاچه جزو تیپ کلرور سولفات می باشد .

۲۱ - پلاتفرم **Palatoform** به مجموعه برجستگی هائی میکرویند که حد اکثر ارتفاع این برجستگی ها از ۱۵۰۰ متر تجاوز نمی کنند معمولاً دو قسمت مشخص در آن دیده می شود . ارتفاعات قدیمی - کهنه که رویه آنها معمولاً رسوبات جدیدتری پوشانده است با چند دلیل علمی می توان گفت ارتفاعات شمال شرقی مازندران که تا بنحورد و بخواک شوروی کشیده می شود یک پلاتفرم است .

۲۲ - مقیاس - مرکانی - ریشتر - زلزله با انتشار امواج طولی - عرضی - عمودی در چند لحظه میلیاردها ارگ انرژی اعماق زمین را در سطح زمین منتشر می سازد ، شدت زلزله و خرابی های وارده را در مقیاس مرکالی به ۱۲ درجه تقسیم کرده اند که زلزله درجه ۷ خطرناک و از ۸ ببعده وحشتناک میگردد میزان انرژی و شدت زلزله در هر درجه دو برابر درجه قبلی میگردد و درجه بزرگی و فواصل بین امواج زلزله را در سیستم ریشترس اندازه گیری می نمایند .

میزان خسارت و شدت زلزله با انتشار امواج زلزله در عمق و در سطح زمین و جنس زمین بستگی پیدا می کند .

۲۳ - موسکوویت **Muscovite** نوعی میکای پتاس دار برنکهای سبز - زرد -

قهوه ای - گل سرخی در ترکیب خاکهای مازندران بکار رفته است .

۲۴ - گراول پک - روش فنی است که جهت جلوگیری از شولات و ریزش چاههای

عمیق بکار میرود .

۲۵ - گروه خاک **۱۰ YR** - در تجزیه شیمیائی خاک - خاکها را از نظر بافت و

ژنتیک بگروههای مختلف تقسیم کرده اند که یکی از مهمترین این گروهها **۱۰ YR** است .

۲۶ - لس **Loess** خاکرسی بادانه های ریز کوارتز و مواد آهکی و هیدرور -

اکسید آهن می باشد اغلب پوسیده جریان شدید باد یا حرکات یخبجالی در نقاط مختلف پراکنده گردیده و صریب نشست آن در مقابل آب زیاد است .

۲۷ - نسل - دهی کوچک در جناح جنوبی دره نمارستاق و از توابع این دهستان بشمار میرود .

۲۸ - نسل دهی بزرگ و بیلاقی و کوهستانی با جاده ای صعب العبور واقع در

بندی غربی و نزدیکی سرچشمه رودخانه بابل قرار گرفته است .

۲۹ - درجه سختی آبها - اکثر مردم باور دارند که آب آشامیدنی روی تمام

اندامهای بدن آدمی اثر میگذارد و ممکن است مواد محلول در آنها در صداقت شجاعت و اخلاق آدمی هم مؤثر باشند . زیاد و کم شدن این مواد محلول روی سلامتی انسان و مزه غذاها و حتی روی ماشینهای صنعتی اثر بد میگذارد .

درجه سختی آبها بیشتر با مواد محلولی مانند بی کربنات های کلسیم - منیزیم

کربنات ها و کلورهای منیزیم و کلسیم و غیره مشخص میگردد معمولاً برای سبک کردن آبهای یون بی ضرر سدیم را جانشین یونهای مضر منیزیم و غیره می نمایند و مردم قدیم شهرهای ایران با اضافه کردن پودر نمک طعام و آهک به آب انبارهای قدیمی این کار علمی را بشکل دیگری انجام میدادند .

صفحه	سطر	نادرست	درست
۱۷	۲	قلعه دماوند	قله دماوند
۱۸	۴	می باشد	میگردد
۲۰	۱۱	اجداد	احفاد
۲۲	۱۰	یثیلاقی	ییلایقی
۲۴	۱۸	۷۱۵ میلیارد	۷۱۵ میلیارد
۲۶	۲	زمانی	آینده
۲۸	۱۰	کوارنس	کوارتز
۳۲	۵	رودخانه هراز	رودخانه هزار
۳۲	۱۶	دست	دشت
۳۳	۱۳	۱۴ هراز	۱۴ درهراز
۴۱	۱۷	ازظرین	آلودگی
۵۰	۱	قلعه کشی	قلعه کتی
۵۳	۱۸	مکانها	سکاهها
۵۳	۲	۱۷۵ سانتیمتر	۱۶۵ سانتیمتر
۵۴	۲	خیره	خیوه
۵۴	۱۳	کوگلان	گوگلان
۵۵	۱۰	کوکلاها	گوگلانها
۵۵	۱۹	گنبد	گنبد
۵۶	۷	ایک	ایکها
۵۷	۵	دهها	ازدهها

## تشکر و اعتداز

جای دارد از تمام دوستانی که در تألیف این کتاب زحمت کشیده اند تشکر نمایم جناب آقای حسین پیامی مدیر محترم چاپخانه پیام که در چاپ این کتاب راهنمایی و نظارت نموده اند و آقای حسین کندی که در چاپ این کتاب زحمت کشیده اند و از همکاران گرامی بخصوص آقایان هوشنگ علامه زاده - علیرضا ذوقی - علی ساداتی - علی تاجمهری هوشنگ یقینی - بردی پلنگی - گلندی محمد دردیانی - بار احمدی که در راه پیمائیها و درسخت ترین شرایط کار مراهمراهی و راهنمایی نموده اند تشکر نمایم و وظیفه دارم از خوانندگان گرامی که نادرستی های چاپی و عدم پیوند کامل بعضی جملات را تصحیح نموده اند معذرت بخوام .

صفحه	سطر	فادرست	درست
۵۷	۱۴	محل	به محل
۵۷	۱۸	آریش	آرایش
۵۹	۲۰	پر پرائی	پذیرائی
۶۵	۲	درسال	درسایر
۷۰	۶	راوج	رواج
۷۲	۱	۱۱	۱۱۰
۸۴	۱۶	کلوگاه	کلوگاه
۸۹	۱۴	گوسفندی	گوسفند
۱۰۰	۱۱	بناو	بناور
۱۰۰	۱۲	جاده	جاده‌ها
۱۱۰	۲۲	سیستم ریشتر	سیستم ریشتر
۱۱۱	۶	متابعیت	متابعیت
۱۴۰	۱۹	موصعی	موضعی
۱۵۳	۱	نشل	نسل
۲۶	۴	پروئیدی	پروئیدی
۴۵	۷	کجووین	کژوین
۲۱۰	۱۵	مزرعه	مزرعه‌ز ندکی می کنند
۲۲۱	۱	اور. کلا	اوز کلا
۲۲۱	۱۳	میگردد	میگردد
۲۲۱	۱۷	Traverin	Travertin
۲۲۴	۱۸	ریشس	ریشتر